

«گل نکشیدن» املی نیست

✍ سمیرا سرچمی

کردی؟ کلاس پنجم دبستان بودم توی سرویس مدرسه یکی از دوستانم بهم تعارف کرد. البته بگم همه اونایی که اونروز مثل من امتحان کردن اولین و آخرین بارشون بود و دیگه به سمتش نرفتن اما من و دوستای دیگم که بهمون چسبید و دیگه بیخیال نشدیم یا زندانن یا زیر خاک و یا مثل من اینجا و اونجا پلاس هستن.»

گل که می‌کشی چه احساسی به تو دست می‌دهد؟

آروم محض. همون احساسی رو که اون لحظه دارم تا ساعت‌ها توی همون عالم نگهت می‌داره. مثلاً می‌شینم کنار این باغچه و میرم توی بر درخت. میرم توی حس درخت. درون درخت رو میبینم اصلاً! انگار درخت باهام حرف می‌زنه.

پس مثل شیشه توهم هم دارد؟

نه. ولی خطرش از شیشه بدتره. من الان اگه نکشم و بهم نرسه الکی دنبال بهانه و دعوا می‌گردم. دست خودمم نیست. مکمل اعصابم هست.

سعی کردی برای ترک؟

موقعیتش پیش نیامد. موقعیت مالی می‌خواست که من ندارم. بعد هم من رویی که برم به سمت خونادم ندارم. که ازونا کمک بگیرم. چندین ماه لحاف و تشک من وسط اتاق پهن بود و من در حال ترک بودم. مادرم شاکی شده بود از وضعم. واقعا نمی‌دونستم کجا برم برای منی با این همه ضربه روحی و روانی که خوردم. ما پیدارسال زمستون با شونزده نفر دیگه وسط نمای بادگیر چپقی پارک ملت خوابیدیم. توی اون سرما و کنار آب‌های یخ بسته حوض. چت کرده بودیم. حالیمون نبود.

چطوری ماری جوانا را می‌پیچید؟

کاغذ مخصوص داره به نام پیپر. با سیگارپیچ که شیشه‌ای و فلزش گیر میاد روی محیاشهر. ولی برای حشیش سیگار می‌خریم و خالی می‌کنیم توتونش رو توتونش رو آغشته به بنگ می‌کنیم و دوباره لول سیگار رو پر می‌کنیم تا آماده استفاده میشه.

درس را تا کجا ادامه دادی؟

تا سال اول دبیرستان خوندم و بعد دیگه درگیر مواد و رفیق بازی. اون موقع فکر می‌کردم ماری معتادی نداره! البته اون موقع سخت هم گیر می‌اومد. لان دیگه برای تهیه ماری جووانا خیلی راحت میتونی زنگ بزنی و برات می‌فرستن.

ماری معتادی نداره!

براساس آخرین آمارها در شیوع‌شناسی و اعلام سازمان بهداشتی تعداد معتادان کشور به دو میلیون و ۸۰۸ هزار مصرف کننده مستمر مواد در کشور رسیده است این در حالی است که ماری جووانا و مشتقات آن شامل گل، گرس، علف با ۱۱،۹ درصد پس از تریاک دومین ماده اعتیاد آور مصرفی در میان مصرف کنندگان در کشور اعلام شده است. همچنین گل و حشیش از بیشترین کشفیات مواد مخدر در اطراف مدارس بوده است. این تحقیقات نشان داده است که علت گرایش برخی از جوانان و نوجوانان به سمت گل باور غلطی است که در مورد کم خطر بودن و عدم اعتیاد آوری آن دارند و همین باور موجب شده است بسیاری از جوانان این ماده را مصرف کنند و دچار آسیب‌های جدی شوند. همچنین و همزمان با افزایش مصرف دخانیات مصرف ماه روانگردان گل بین دختران نوجوان و جوان بیشتر است. و ۱۵ درصد مصرف کنندگان گل دانشجویان دختر و پسر هستند.

«گل بکش نترس بابا تو دیگه چقدر ترسوایی و املی دیگه» این جمله را این روزها بسیاری از جوانان سیرجانی از دوستانشان می‌شنوند. در جمع‌های خودمانی دوستانه و یا در مهمانی و پارتی. مخدری که این روزها برای قشر مرفه پز دارد در گردش‌های خانه‌باغی رواج دارد و حتا یک محرک قویست برای دانشجویان شب امتحانی که خواب نروند و درس را طی یک شب از بر شوند. فراورده‌اش با نام بنگ یا حشیش برای قشر پایین‌تر بلایی خانمان سوز می‌شود. به این سه قشر دانش آموزان را هم اضافه کنید که به تازگی به جمع دوستداران گل پیوسته‌اند. این چهار گروه روایتشان از آنچه که گل برایشان به ارمغان می‌آورد متفاوت است. از جوان همشهری که کشیدن گل را تجربه کرده راجع به گل می‌پرسم که آیا مصرفش در میان او و دوستانش مکرر است یا نه؟ او از بنگ می‌گوید. اینکه محفل دوستانش پر می‌شود از بوی مشمژ کننده‌ای که برای آنها که اهلش نیستند تهوع آور می‌شود. دختر نوجوانی هم می‌گوید دوستانشان زمانی که مواد می‌زنند هر کتاب را پنج تا شش بار دوره می‌کنند و وقتی ازشان سوالی بپرسی کل کتاب را برایت توضیح می‌دهند. اشتهايشان چند برابر می‌شود و شادی غیر قابل باوری دارند. شنیده‌اند که بنگ از فراوری شده‌های گل هست و چون قیمتش مناسب هست را به راحتی تهیه می‌کنند. در میان گروه همسالان این نوجوان صحبت از مواد مخدر است. هر کدامشان برای یک بار هم که شده یکی را امتحان کرده اند. سیگار، مشروب، سیگاری و گل. اعتقادشان این هست که امتحان گل ارزشش را داشته چون تا ساعت‌ها بی خیال عالم بوده‌اند و کلاس بیشتری از باقی مخدرها دارد. آن‌ها حتا ساقی‌ها را هم می‌شناسند و در موارد اضطراری از آن‌ها خرید می‌کنند. می‌گویند حواسمان هست که شورش را در نیابوریم اما لا مصب فاز سنگینی داره. اما پایین شهر اوضاع جور دیگریست. اینجا دیگر گل خاصیت فانتزی و با کلاس بودن را ندارد و همان شری شده است که هیچ راه فراری ندارد. به خیابان میرزا رضا می‌روم. از پیش با جواد هماهنگ کرده‌ام. او گل مصرف می‌کند، ۲۵ سال دارد و به گفته خودش از کلاس پنجم مصرف تفریحی را شروع کرده و بعد به آن معتاد شده. او می‌خواهد که در جمع حرف نزنند. وارد حیاط می‌شویم و او شروع می‌کند به صحبت کردن. هر دو گل می‌کشند و با وجود تلاش برای ترک راه به جایی نبرده‌اند. جواد ماری جووانا را ماری جوانان نام می‌دهد و به این ترتیب آن را مختص جوانان تلقی می‌کند: «من تعمیرکار بودم اما تمام پولی که از کارم بدست می‌آوردم رو خرج مواد می‌کردم. الان توی میدون کارگری می‌کنم و رویی که به خونه پدرم برم رو ندارم. گل دو نوع هست. گل هرویین که جزو مواد مخدر هست و گل ماری جووانا که هم مخدره و هم محرک. من معتاد به دومی هستم. که روی مغز اثر می‌ذاره. من خودم چند وقت پیش که به دکتر مراجعه کرده بودم طی تستی گفت بخش زیادی از سلول‌های خاکستری مغز رو از دست دادم. به همین خاطر هیچ دقت و تمرکزی ندارم و کاملاً حواس پرت شدم. سپس او از بنگ می‌گوید که یکی از موادی است که از ماری جوانا فراوری می‌شود. گرد گل و پته رو می‌گیرن. در یک اتاق تاریک نگه داری می‌کنند و بعد در دهانه چاه فاضلاب تفت میدن به مدت صد و پنجاه روز که به اصطلاح گیرایش بیشتر بشه. اولین بار کجا گل را امتحان